

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دوازدهم، شماره ۴۵/۱، بهار ۱۳۹۷

بررسی تأثیرپذیری روایات اهل سنت از منابع اهل کتاب در مقوله امنیت در عصر ظهور مهدی علیه السلام

خدا مراد سلیمیان^۱

چکیده

بررسی‌های جامعه‌شناختی و تاریخی گویای آن است که "امنیت"، برجسته‌ترین نیاز هر جامعه، در هر زمان است و از این رو نخستین چشم‌داشت انسان‌ها از حاکمان است؛ که ابعاد گوناگون و گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. تأثیرپذیری امنیت از فرهنگ، اقتصاد، و جمعیت و نیز تأثیرگذاری آن بر همه شئون و گستره زندگی انسانی، به آن نقش و کارکردی ویژه داده است.

از این رو به روشنی می‌شود گفت یکی از پایه‌های بنیادین و ریشه‌ای در پیشرفت و توسعه در جامعه و نیز از بنیان‌های شکل‌گیری و استمرار حکومت، امنیت است؛ و نیز ابعاد آن، - امنیت فردی و اجتماعی - به عنوان سنگ زیربنای زندگی فرد و جامعه و پیش شرط هرگونه رشد، رفاه و ارتقای مادی و معنوی به شمار می‌آید.

در پس همه حکومت‌هایی که تا کنون شکل گرفته و پس از این شکل خواهد گرفت، حکومت جهانی و عدالت‌گستر حضرت مهدی علیه السلام - به عنوان فراگیرترین حکومتی که مردم در انتظار آن هستند - نیز از این رویه بیرون نیست و در این حکومت جهانی برای رسیدن به آرمان بزرگ شایستگیان و فرجام سعادت بخش زندگی، فراهم شدن امنیت فراگیر، از ارزش ویژه و والایی برخوردار است.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (kh.salimian@yahoo.com).

در برخی روایات، نمادها و نمودهایی برای این فراهم شدن و فراگیری، بیان شده است. مانند: زندگی مسالمت آمیز برخی درندگان با برخی حیوانات. که به نظر می رسد این سخنان بیشتر تحت تأثیر نوشته های اهل کتاب و از مسیر منابع اهل سنت منتقل شده است.

در این مقاله تلاش شده تا با ره گیری برخی سخنان ادعای یادشده، روایات در این باره بررسی و نقد شود که ره آورد آن اذعان یافتن به وارداتی بودن نمادهای روایی امنیت از متون غیراسلامی و به ویژه اهل کتاب بود.

واژگان کلیدی

نمادهای روایی امنیت، عصر ظهور؛ منابع اهل کتاب؛ حکومت جهانی مهدی علیه السلام.

مقدمه

از پدیده های برجسته جامعه های بشری از آغاز تا اکنون، ناامنی و نگرانی بوده و است. این نگرانی و ناامنی اما، همواره چهره های گوناگونی داشته، گاهی در ساده ترین گونه خود، از درندگان و حیوانات وحشی و بلاهای طبیعی بوده و گاه دیگر در پیچیده ترین گونه و آن هم ترس از هم نوع خود، یعنی دیگر انسان ها، و البته این نگرانی در گونه دوم رفته رفته گسترده تر شده، می رود تا بر همه انسان ها و همه شئون زندگی آن ها چیره شود. به گونه ای که به روشنی می توان گفت امروزه ناامنی بخشی دهشتناک و جدایی ناپذیر از زندگی همه انسان ها شده است.

بیان مسئله

بی گمان هیچ حکومتی نمی تواند نسبت به برقراری امنیت، بی تفاوت باشد. چراکه نه فقط امنیت به خودی خود یکی از پایه ای ترین نیازهای جامعه است؛ که خود، سبب برجسته ای برای رشد و توسعه فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی است. از این رو همواره مورد اهتمام آموزه های وحیانی - که توجه به مطالبات بنیادین انسان ها را در سرلوحه برنامه خود دارند، - نیز بوده است.

این نیاز بنیادین به امنیت و نیز راه کارهای به دست آوردن آن، در آموزه های اسلامی نیز به عنوان یک نیاز بنیادی و غیرقابل انکار، فراوان مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است.

تعاریف و اصطلاحات

پیش از هر سخن به معنانشناسی این واژه اشاره کنیم.

امنیت از نگاه لغت

ریشه لغوی این واژه از کلمه «أمن»، و با مشتقاتی چون: «ایمان»، «ایمنی» و «استیمان» است که در لغت فارسی به ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی، اطمینان خاطر یافتن و برطرف شدن ترس و بیم، (محمد معین، ۱۳۸۰: ۱۲۲) معنا شده و در زبان عربی به معانی پرشماری آمده است.

أمن و امنیت در اصل به معنای آرامش نفس و از میان رفتن ترس است، (راغب اصفهانی، بی تا: ۲۵) فیومی در المصباح المنیر با ذکر نمونه "أمن زید الأسد أمناً" معنای امنیت را آرامش و از بین رفتن ترس یاد کرده است. آن گاه این واژه را هم از نظر وزن و هم از نظر معنا همانند "سَلِمَ" دانسته است. (فیومی، بی تا: ۲۴)

با توجه به معانی لغوی می‌توان گفت "أمن" در بردارنده دو جهت ایجابی و سلبی می‌شود. ایجاب در آن جا که سخن از اطمینان، آرامش فکری و روحی است و سلب در آن جا که نبود ترس، دلهره و نگرانی مقصود است.

امنیت از نگاه اصطلاح

برای به دست آوردن معنای اصطلاحی امنیت در آموزه‌های اسلامی، باید گفت "امنیت" از پدیده‌های پایه‌ای است که در همه ابعاد زندگی فردی و گروهی انسان به گونه‌ای تأثیرگذار و مورد نیاز است. از این رو آموزه‌های قرآن - بدان سبب که پاسخ‌گوی نیازهای حقیقی انسان‌ها است - به آن به طور شایسته‌ای پافشاری کرده است.

اگر چه گونه فارسی و عربی این کلمه با واژه «امنیت» و «امنیة» در نوشته‌های اسلامی به چشم نمی‌خورد، ولی واژه‌های برگرفته از این ریشه به فراوانی به کار رفته است.

در ذکر مشتقات کلمه «امنیت» در قرآن، «ایمان» و «امنیت» در اسلام با هم پیوند دارند. در مجموع از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه برگرفته شده است و نزدیک ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته است. (محمود روحانی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۷۲-۳۷۳) پیوند تنگاتنگ و ناگسستنی این واژه با کلمه‌های «اسلام»، «ایمان» و «مؤمن» گویای ارزش فراوان مفهوم آن است. مفهومی که افزون بر آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام، به فراوانی در سخنان اندیشمندان اسلامی و به‌ویژه شیعی به چشم می‌خورد.

یادآوری این نکته بایسته است که واژه «الأمن» سه بار: در سوره‌های انعام، آیات ۸۱ و ۸۲ و نساء آیه ۸۳ به کار رفته است. واژه «أمناً» دو بار: یکی در سوره بقره، آیه ۱۲۵ و دیگری در سوره

نور، آیه ۵۵ به کار رفته است. هم چنین واژه «أَمْنَةً» دو بار: در سوره های آل عمران، آیه ۱۵۴ و انفال، آیه ۱۱ به کار رفته است.

در آیات قرآن، سخنان فراوانی در ارزش و جایگاه ارزنده امنیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان وارد شده است. از جمله این که: خداوند یکی از اهداف برجسته برپایی حکومت شایستگان را پدید آمدن امنیت در جامعه بشری دانسته است. (نور: ۵۵)

آیه مورد بحث به صورت صریح و غیر صریح، به دو عنصر بنیادین انتظار و امنیت اشاره کرده است. امنیت تحفه ای الهی است که وعده تحققش از سوی خداوند به انسان تشنه عدالت و امنیت داده شده است.

بر این پایه، انتظار برگرفته از آیات قرآن، افزون بر این که نوعی "امید به آینده" است، چشم به راهی برای یک رویداد بزرگ و دگرگونی ژرف است؛ چشم داشت آمدن موعودی است که تبلور همه آرمان ها و آرزوهای تحقق نیافته انسان در طول قرون و اعصار گذشته تا کنون است. موعود نجات بخشی که به پدید آوردن یک نظم اخلاقی در زمین دست خواهد زد.

دیگر این که: خداوند نعمت امنیت را از پایه ای ترین نیاز فطری انسان ها دانسته، برجسته ترین خواسته پیامبر خود حضرت ابراهیم علیه السلام را - هنگام بنانهادن کعبه - یاد کرده است. (بقره: ۱۲۶) و نیز (بقره: ۱۲۵) از این امنیت بخشی گزارش داده است.

امن دانستن خانه کعبه به دست خداوند بزرگ در حقیقت بیان گر جایگاه ارزنده امنیت است که این بنای مقدس با آن توصیف شده است. این ویژگی کعبه در آیات فراوانی یاد شده است. هم چنان که در سوره تین شهر مکه به «بلد امین» وصف شده است.

و سرانجام این که: از امنیت به عنوان بزرگ ترین پاداشی یاد شده که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق داده می شود؛ همان گونه که قرآن می فرماید: کدام يك از دو دسته شایسته امنیت هستند؟ (انعام: ۸۱)

بنابراین در فرهنگ قرآنی امنیت يك مفهوم گسترده، همگن و ژرف دارد و همه ابعاد زندگی و حوزه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در بر می گیرد.

و البته روایات معصومان علیهم السلام همانند قرآن بیان گر این نکته برجسته است که هرگونه امنیتی، در ایمان و باورهای معنوی و الهی ریشه دارد و هر گونه ناامنی در هر عرصه ای، ناگزیر ریشه اش به بی ایمانی و صفاتی مانند شرك، کفر، ظلم، استکبار و... برمی گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با تأکید بر جایگاه دو نعمت بنیادین و بایسته برای فرد و جامعه می فرماید:

دو نعمت اند که قدر آن ها شناخته نمی شود و کفران می گردند: امنیت و تندرستی.

(صدوق، ۱۴۰۳: ج ۱، ۳۴)

امام صادق علیه السلام نیز زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده است. (پیشین: ۲۸۴) و در روایتی دیگر، از امنیت در کنار عدالت و فراوانی، به عنوان سه نیاز بنیادین مردم یاد شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۵، ۲۳۲) و امیرمؤمنان علیه السلام در بحث از اهداف برتر حکومت، یکی از دلیل‌های پذیرش حکومت را فراهم کردن امنیت برای بندگان و پشتیبانی از آن‌ها می‌شمارد. نیز حضرت در بیان نقش و جایگاه امنیت می‌فرماید:

رفاه زندگی در امنیت است و هیچ نعمتی گوارتر از امنیت نیست. (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۷، ش ۱۰۲۵۳)

نقش امام در امنیت روانی و معنوی

نقش امام معصوم علیه السلام، سبب فراهم شدن امنیت می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید:

آگاه باشید! به درستی اهل بیت من مایه امنیت برای شما هستند، پس همان‌گونه که مرا دوست دارید آن‌ها را نیز دوست بدارید و در نتیجه هرگز گمراه نخواهید شد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۳۶، ۳۴۱)

در حدیث دیگری ایشان می‌فرماید:

و اهل بیت من امان امتم از گمراهی و ضلالت هستند. (پیشین: ج ۲۳، ۱۲۲)

حضور اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به خودی خود در فراهم کردن امنیت و رهائی از گمراهی در دین برجسته و بنیادین است. و در سخنی دیگر این ویژه امت بودن به یک امنیت فراگیر و جهانی ذکر شده است که فرمود: اهل بیت من مایه امنیت برای اهل زمین هستند. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۵)

در روایتی نیز حضرت مهدی علیه السلام از خود به عنوان مایه امنیت زمین و اهل آن یاد کرده است آن‌جا که می‌فرماید:

همانا من مایه امنیتم برای اهل زمین آن‌گونه که ستارگان مایه امنیت برای آسمانیان اند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۵، ۳۸۰)

آثار و برکات امنیت

آن‌گاه که امنیت در جامعه‌ای پدید آمد، آثار آن سراسر زندگی انسان‌های آن جامعه را در بر

می‌گیرد. این آثار هم از سویه فردی و هم از سویه اجتماعی، دارای برجستگی است. **آثار فردی:** سه رکن بنیادین زندگی فردی انسان یعنی؛ "امنیت جانی"، "امنیت مالی" و "امنیت حیثیتی" از برجسته‌ترین نمودهای فردی امنیت است. به گونه‌ای که اگر هر کدام از این عناصر سه‌گانه، دست خوش ناامنی گردد، منجر به نابودی سامان مطلوب زندگی انسان، خواهند شد.

آثار اجتماعی: از برجسته‌ترین برکات امنیت در جامعه این است که در سایه امنیت، دل‌های مردم به همدیگر انس و الفت گیرند، کینه و دشمنی جای خود را به همگرایی و همزیستی می‌دهد، حق و عدل آشکار و حدود الهی جاری و اجرا می‌شود. به واقع امنیت است که زمینه‌ساز حرکت عظیم اجتماعی و فراهم‌کننده فضای بایسته برای دیگر کارکردهای مثبت فردی و اجتماعی و پیشرفت‌های معنوی و مادی مردم می‌شود. بدون امنیت دادگری نیز در جامعه عینیت و قوام نمی‌یابد.

حکومت مهدوی و امنیت

در حوزهٔ مباحث مهدویت امنیت یکی از برجسته‌ترین و پایه‌ای‌ترین ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است به گونه‌ای که در آیات و روایات فراوانی از آن به عنوان رکن بنیادین حاکمیت حضرت یاد شده است. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۳۳۳)

این آرمان و هدف به گونه‌ای دارای ارزش است که همهٔ اهداف و برنامه‌های منجی قائم با آن پیوند و بستگی دارد، و در صورت پدیدارشدن "امنیت" است که اهداف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فکری و اخلاقی در سطح گسترده جامعه عمل به خود می‌پوشند.

در حقیقت پیوند میان "عدالت" و "امنیت" پیوندی دو سویه است؛ امنیت کمک می‌کند تا راه برای اجرای عدالت هموار شود و در جامعه بر پایهٔ عدالت، امنیت را به ارمغان می‌آورد.

البته ارزش امنیت آن‌گاه به روشنی دریافت می‌شود که بدانیم جامعهٔ انسانی پیش از آن و در آستانهٔ آن انقلاب بزرگ در نهایت ناامنی زندگی می‌گذراند. زندگی پرهرج و مرجی که حیات انسانی را از بنیان تهدید می‌کند. که در حکومت جهانی آن حضرت به امنیتی فراگیر و همه‌جانبه دگرگون خواهد شد.

حقیقت این امنیت بنا بر آیه ۵۵ سورهٔ نور، این گونه است که چون پارسایان، به رهبری امام عصر علیه السلام خلیفهٔ خدا شوند و دین حاکم گردد. بنا به نوید الهی، امنیت جای ترس را می‌گیرد و بندگان خدا به خشنودی و خوشبختی حقیقی دست خواهند یافت. و این به برکت

حضور و ظهور واپسین حجت الهی بر زمین است.

گستره امنیت در حکومت مهدوی

امنیت در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام در دو گستره زندگی انسان ها راه خواهد یافت: فردی و اجتماعی.

۱. امنیت فردی

اگر چه آن گاه که سخن از امنیت به میان می آید بیشتر امنیت گروهی و اجتماعی به ذهن می آید، ولی هرگز نباید سبب شود تا از امنیت فردی غفلت شود. چرا که گاهی انسان بدون این که دیگر انسان های جامعه نقشی داشته باشند احساس ناامنی و اضطراب می کند. و در حکومت حضرت مهدی علیه السلام برخی ویژگی ها سبب می شود در حوزه فردی نیز انسان ها احساس امنیت کنند.

امنیت فردی را باید در ایمان راستین و حقیقی و آرامش روحی و اطمینان و طمانینه نفس و یاد خداوند متعال جست و جو کرد که "الا بذكر الله تطمئن القلوب" (رعد: ۲۸)

یکی از این ویژگی های رشد ایمان و باور انسان ها به خداوند است که سبب می شود مردمان به امنیت خاطر برسند. از سویی اخلاق الهی نیز نشانه ایمنی انسان مؤمن از وسوسه های شیطانی و غفلت است، چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله برای تکمیل مکارم اخلاق برانگیخته شدند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۶۷، ۳۲۷)

پس در حکومت مهدوی به برکت حضور ظاهری امام عصر علیه السلام، مردم از اخلاق ناب محمدی به صورت کامل بهره می برند و از آسیب های روحی و روانی ناشی از اخلاق ناشایست ایمن هستند.

سلامتی جسمی و ایمنی از آفات و بیماری ها به طور عمده از شاخصه های امنیت فردی در حکومت مهدوی به شمار می آید که در روایاتی به آن اشاره شده است که: هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند بیماری ها را از مومنان دور می سازد و تندرستی را به آنان باز می گرداند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۷)

۲. امنیت اجتماعی

افزون بر امنیت فردی که یاد شد، مردم در امنیت اجتماعی فراگیر نیز به سر خواهند برد و البته گستره این امنیت عرصه های فراوانی را در بر می گیرد؛ مانند:

الف) امنیت عقیدتی - فرهنگی

آموزش عمومی و فراگیری و کمال دانش که در این بخش نقش ویژه‌ای دارد از سویی و باورهای راستین و گسترش آن در حکومت مهدوی و نابودی شرک و انگیزه‌های منافقانه و نیز پرورش دل‌ها و خردها و تکامل آن‌ها و نیز اخلاق کمال یافته در میان مردمان، از سوی دیگر، ترسیمی زیبا از اوضاع فرهنگی - عقیدتی اجتماع مهدوی در نگاه‌ها قرار می‌دهد.

فرهنگ قرآنی حاکم بر جامعه مهدوی که دارای زوایای پرشمار و آستانه‌ای بلند است تا بدانجا می‌رسد که همگان بر پایه آموزه‌های آن زندگی خواهند کرد. فرهنگ محبت و دوستی میان جامعه مهدوی در راستای حکومت آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر ﷺ میان انسان‌ها رواج می‌یابد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

سبحان الله! آیا دوست ندارید که خداوند حق و عدل را در همه شهرها آشکار کند و همه را با يك کلمه جمع کند و میان دل‌های گوناگون پیوند اندازد و در هیچ زمینی نافرمانی خدا نکنند و دستورات خدا در میان بندگان اجرا گردد و حق به اهلش برگردد، کمال حق ظاهر شود به گونه‌ای که هیچ چیز از حق به سبب ترس از هیچ آفریده‌ای پنهان نشود و یا مخفی انجام داده نشود. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۳۳۳)

ب) امنیت اقتصادی

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام بر خلاف پندار برخی که رفاه همگانی را منحصر در امدادهای الهی می‌دانند تلاش همگانی صورت می‌پذیرد. (نعمانی؛ ۱۳۷۹ق: ۲۸۴) آن‌ها بر پایه دستور العمل‌ها و مقررات پی‌ریزی شده بر پایه آموزه‌های اسلام تولید را به حد کفایت می‌رسانند و ثروت به طور دادگرانه توزیع می‌شود تا مردم به سطحی از رفاه عمومی برسند که احساس بی‌نیازی کنند. (طبری آملی، ۱۴۱۳: ۴۸۲)

از این روایات به دست می‌آید که در آن روز حتی يك نفر محتاج و نیازمند وجود ندارد. آن يك نفر هم که برمی‌خیزد، غنای روحی نداشته و گرفتار حرص و آز بوده؛ وگرنه از نظر مادی بی‌نیاز بوده است. مهم این است که امام مهدی علیه السلام تحت رهبری صحیح خود، دل‌ها را مملو از غنای معنوی و روانی می‌کند و خلق و خوی زشت «حرص» را از سرزمین دل‌ها ریشه‌کن می‌سازد؛ همان حرصی که سرچشمه بسیاری از تلاش‌های بی‌هوده ثروت‌اندوزان تهی مغز است که با داشتن هزاران برابر سرمایه مورد نیاز زندگی، باز هم دست و پا بر جمع ثروت فزون‌تر می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۷۱)

ج) امنیت قضایی

در حکومت مهدوی امنیت داوری و دادرسی برای مردمان به همه گونه‌های آن فراهم خواهد شد و ریشه آن دادگری فراگیر حاکم بر آن جامعه است و از این رو است واسطه امنیت قضایی حدود الهی برپا داشته می‌شود. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۲۷) در آن زمان امنیت قضایی به حدی است که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

پس از ظهور مهدی هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی‌ماند مگر آن که حضرت آن را بازستاند و به صاحب حق می‌دهد. (مجلسی، ج ۵۲، ۲۲۴)

و البته در این باره روایات فراوانی نقل شده است که می‌بایست به منابع مفصل مراجعه کرد.

همزیستی مسالمت‌آمیز

همه ویژگی‌های حکومت عدل جهانی مهدوی سبب می‌شود تا انسان‌ها به بهترین وجه ممکن به گونه‌ای همزیان و همدل با هم زندگی کنند.

در برخی روایات که نیازمند درنگ‌های جدی است سخن از زیست برخی حیوانات وحشی در کنار همدیگر است که افزون بر اعتبارنداشتن لازم این روایات و نقل بیشتر آن‌ها از منابع اهل سنت و برخی اسرائیلیات، توجه به این نکته بایسته است که هرگز چنین ارتباطی میان حیوانات مصداق ظلم نیست تا در حکومت مهدوی اقتضای عدل، آن را منتفی سازد.

از آن جایی که نظام اکنون آفرینش، نظام احسن است؛ این دگرگونی به این گونه که برخی جانوران از مسیر طبیعی تغذیه که مناسب طبیعت آن‌هاست عدول کنند، چندان وجهی ندارد، افزون بر این که در برخی روایات سخن از اندک حیوانات درنده برده شده است؛ این در حالی است که میلیاردها گونه حیوانی و جانوری در دریا و خشکی است که بقای آن‌ها به خوردن انواع دیگر بستگی دارد.

امروزه بدون درنگ در این گونه سخنان و توجه به منابع اصلی به دور از هرگونه تحلیلی و القای این گونه سخنان بحث‌های فراوانی را به دنبال داشته است.

البته در برخی از سخنان درباره امنیت در آن دوران گزارش‌هایی نقل شده است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

یقاتلون حتی یوحّدوا الله ولا یشرک به شیئاً و تخرج العجوزة الضعیفة من المشرق ترید المغرب لا یؤذیها أحد؛ (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۶۱):

می‌جنگند تا آن که همه مردم خدا را به یگانگی بپذیرند و چیزی را با او شریک قرار

ندهند و چنان امنیتی برقرار شود که پیرزنی ناتوان از مشرق به مغرب رود و هیچ کس آزاری به او نرساند.

این روایت نخست در کتاب تفسیر عیاشی بدون ذکر سند نقل شده است و سپس در برخی منابع دیگر. از این روایت دارای اعتبار لازم نیست. در روایت دیگری امام صادق علیه السلام از پدرانش به نقل از امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

ولو قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها ولأخرجت الأرض نباتها ولذهبت الشحناء من قلوب العباد واصطلحت السباع والبهائم، حتى تمشي. المرثة بين العراق إلى الشام، لا تضع قدمها إلا على النبات وعلى رأسها زينتها ولا يهبجها سبع ولا تحافه (محمد بن علی این بابویه، ۱۳۶۲ ش: ج ۲، ۶۲۶)؛

روزی که قائم ما قیام کند، آسمان باران رحمت ببارد و زمین گیاه خود را برویاند و کینه ها از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهارپایان با یک دیگر مسالمت آمیز هم زیستی کنند. تا آن جا که زنی از عراق تا شام را ببیماید و جز بر سبزه زار گام نگذارد و زینت و آرایش خود را بر سر داشته باشد، بدون این که کسی به آن طمع نماید و هیچ درنده ای او را آشفته نسازد و او نیز از هیچ چیز نهراسد.

در سند روایت می خوانیم:

حدثنا أبي رضي الله عنه قال حدثنا سعد بن عبد الله قال حدثني محمد بن عيسى بن عبيد اليقطيني عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن أبي بصير ومحمد بن مسلم.

که به نظر می رسد روایت از جهت اعتبار سند مشکلی نداشته باشد.

اما آن چه جای بحث است این که چگونه همزیستی بین جانوران را در عصر ظهور با توجه به سیر نقل روایات آن در منابع را می توان توجیه کرد.

در این جا به تحلیل برخی از این سخنان که خاستگاه بنیادین آن منابع یهودی و مسیحی است، می پردازیم:^۱

از «الإصحاح في البشارة بظهور المنجي» نقل شده است:

... فيسكن الذئب مع الحمل، ويربض التمر إلى جوار الجدى، ويتألف العجل والأسد و كل حيوان معلوف معاً، ويسوقها جميعاً صبي صغير. ترعى البقرة والدب معاً ويربض أولادها متجاورين، و يأكل الأسد اللبن كالثور. ويلعب الرضيع في أمان عند جحر

۱. از آن جایی که بخش گسترده ای از این سخنان در مجموعه روایی معجم احادیث الامام المهدي آمده در این جا به این کتاب نیز ارجاع داده می شود.

الصَّلِّ، ويمدّ الفطيم يده إلى وكر الأفعى فلا يصيبه سوء (التوراة والإنجيل؛ نسخة التوراة والإنجيل من موقع: www.arabicbible.com؛ به نقل از نرم افزار کتابخانه اهل بیت عليه السلام؛ نیز مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸: ج ۱، ۳۳-۳۴)؛
و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر با هم. و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند* و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آن‌ها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت.

حال اگر چنین سخنانی کنایه از شدت امنیت باشد شاید اشکالی نداشته باشد اما اگر چنانچه وصف حال باشد پذیرفته نخواهد بود.

و از جایی دیگر برخی از مضمون یادشده را این گونه نقل کرده است که:

... ويرعى الذئب والحمل معاً، ويأكل الأسد التبن كالبقر، وتأكل الحية التراب، لا يؤذون ولا يهلكون في كل جبل قدسي، يقول الربّ. (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸: ج ۱، ۳۷)

در جایی دیگر نیز به این مطلب اشاره کرده است که:

... وقبل أن يدعوا أستجيب، وفيما هم يتكلمون أنصت إليهم. ويرعى الذئب والحمل معاً، ويأكل الأسد التبن كالبقر، وتأكل الحية التراب. (پیشین: ج ۱، ۳۸)

پس از آن به نقل از کتاب جاماسب آورده است:

سيخرج رجل من أرض (تازيان) أي الجزيرة العربية من أولاد هاشم، ذو رأس كبير، وجسم ضخم، وساقين ضخمين، ويكون على دين جدّه، يأتي مع جيوش كثيرة نحو إيران و يعمرها، ويملا الأرض عدلاً؛ ومن عدله يشرب الذئب والغنم ماء سوية، وتزداد الأنفس، و تطال أعمار الناس مئة أخرى حتى يكون للرجل خمسون ولداً من ذكرو أنثى، و... (پیشین: ج ۱، ۷۶)

با توجه به سخنان یادشده تردیدی نخواهد ماند که نگاه یادشده برای امنیت در عصر ظهور در متون یهود و نصاری و نیز زرتشت نقل شده است.

این سخنان افزون بر آن که با خرد انسانی همخوانی ندارد در هیچ روایت معتبری نیز به این که این حیوانات این گونه زندگی خواهند کرد نیامده است. و افزون تر این که همان گونه که اشاره شد مگر مصداق خوردن یک نوع حیوان دیگری را در موارد یاد شده منحصر است بلکه میلیون‌ها و بلکه بیشتر جانورانی است که حیات و بقای آن‌ها به خوردن

نوع دیگری بستگی دارد.

نمونه‌های یادشده در منابع اهل سنت

پس از منابع اهل کتاب نمونه‌های یادشده در برخی منابع اهل سنت بازتاب یافته است جالب این که به طور عمده این سخنان از کسانی نقل شده است که سابقه اعتقاد به دین یهودی داشته‌اند.

برای نخستین با این انگاره در کتاب فتن نعیم بن حماد نقل شده است.
معمراز قتاده از ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل که که آن حضرت فرمود:

إن الأنبياء أخوة لعلات، دينهم واحد، وأمهاتهم شتى، وأولاهم بي عيسى-ابن مريم، ليس بيني وبينه رسول، وإنه نازل فيكم، فاعرفوه، رجل مربوع الخلق إلى البياض والحمرة، يقتل الخنزير، ويكسر الصليب، ويضع الجزية، ولا يقبل غير الإسلام، وتكون الدعوة واحدة لله رب العالمين، ويبلغ في زمانه الأمر حتى يكون الأسد مع البقرة، والذئب مع الغنم، ويلعب الصبيان بالحيات لا يضربعضهم بعضاً. (نعيم، ۱۴۲۳: ۳۹۲)

و پس از آن همان مضمون در کتاب الملاحم ابن منادی این گونه از ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل شده است:

الأنبياء أخوة علات، أمهاتهم شتى، و دينهم واحد، و أنا أولى الناس بعيسى بن مريم، لأنه لم يكن بيني و بينه نبى، و أنه خليفتى على امتى، و أنه نازل، فإذا رأيتموه فاعرفوه: فإنه رجل مربوع إلى الحمرة و البياض، بين ممصرتين، [كأن رأسه يقطر] و إن لم يصبه بلل، و إته يكسر الصليب، و يقتل الخنزير، و يضع الجزية، و يفيض المال، و يقاتل الناس على الإسلام، فيهلك الله في زمانه مسيح الضلالة الكذاب، و يوضع الآية في الأرض حتى ترعى الاسود مع الإبل، و النمر مع البقر، و الذئب مع الغنم، و يلعب الصبيان بالحيات لا تضربهم شيئاً، فيمكث في الأرض أربعين، ثم يتوفى و يصلى عليه المؤمنون. (ابن منادى، ۱۴۱۸: ۲۵۴)

درباره نعیم و اعتبار روایات او برخی وی را به شدت تضعیف کرده‌اند: کسانی مانند: عبدالله بن عدی (متوفای/ ۳۶۵ ق) در کامل ضمن بیان دیدگاه‌های گوناگون درباره ابن حماد، نقل کرده که وی به انگیزه تقویت سنت دست به جعل حدیث می‌زده است. (جرجانی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۱۶) ابن عساکر (متوفای/ ۵۷۱ ق) نیز با بیان دو دیدگاه درباره وی به نقل برخی سخنان در ضعف او پرداخته است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۲، ۶۲، ۱۵۸) ذهبی (متوفای/ ۷۴۸ ق) ابتدا در مورد نعیم بن حماد می‌گوید: «الامام، العلامة، الحافظ» ولی در ادامه، سخنی می‌آورد که

ضعف نَعیم بن حَمَّاد را می‌رساند. او می‌گوید: «... روی عنہ البخاری مقروناً بآخر...» (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۵۹۵). که این عبارت «مقروناً بآخر» گویای این است که بخاری، اعتماد چندانی به سخن نَعیم بن حَمَّاد نداشته است.

ذهبی در جای دیگر در مورد ابن حَمَّاد چنین می‌گوید: استناد به ابن حماد روا نیست. او کتاب فتن را تألیف کرده و در آن جریانات شگفت و منکری (ناشناخته) را آورده است. و از دیگران چنین نقل می‌کند: او در تقویت و تأیید اهل سنت احادیث جعل می‌کرد. (پیشین: ۶۰۹) هیثمی با اشاره به توثیق گروهی از بزرگان اهل سنت درباره او، به ضعف نَعیم تصریح کرده است. (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۸، ۱۵)

عمرو بن ابی عاصم در کتاب السنه، نَعیم بن حماد را به خاطر فراوانی اشتباهات ضعیف دانسته و گفته برخی او را متهم کرده‌اند. (عمرو بن ابی عاصم، ۱۴۱۳: ۱۲، ش ۱۵) و در جایی دیگر نوشته است او بد حافظه بود. (پیشین: ۲۲۷)

به نظر می‌رسد با توجه به دیدگاه‌های یادشده به کتاب فتن و به روایات آن و حتی به شخص نَعیم نمی‌توان اعتنا و استدلال کرد.

همان‌گونه که دیده می‌شود وضعیت یادشده در زمان نزول عیسی علیه السلام ترسیم شده است. و البته به قرینه دیگر روایات که نزول وی را در زمان مهدی موعود علیه السلام دانسته، می‌توان موارد یادشده را مربوط به زمان امام مهدی علیه السلام دانست.

بازتاب مضمون‌های یادشده در منابع شیعی

به نظر می‌رسد مضمون‌ها یادشده گاهی و البته بسیار در پاره‌ای منابع شیعی بدون توجه به خاستگاه این سخنان بازتاب یافته و فراوان به کار رفته است. برخی از موارد از این قرارند:

۱. بازی کودکان با مارها و عقرب‌ها

در کتاب‌های معاصر در این بار می‌خوانیم: کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و هیچ آسیبی به آنها نمی‌رسد. (علی‌نوری، ۱۳۷۹: ۱۳۲) و یا این‌که: کودکان خردسال با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و آسیبی به آنها نمی‌رسد. شَرَّاز جهان رخت برمی‌بندد و تنها خیر باقی می‌ماند. (کارگر، ۱۳۷۸: ۳۶۰) و یا این‌که در جایی نوشته شده:

ایشان کارگزارانش را در شهرها مأمور اجرای عدالت می‌کنند. [در سایه عدالت آن حضرت] گرگ و میش در يك مکان به سر می‌برند و کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی

می‌کنند در حالی که هیچ‌گونه زبانی به آنان نمی‌رساند ... (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۹۲)

کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و هیچ آسیبی به آن‌ها نمی‌رسد. (اسدالله هاشمی شهیدی، ۱۳۷۸: ۲۸۱) حضرت مهدی علیه السلام شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود درآورد، گرگ و گوسفند در يك مکان زندگی کنند، کودکان خردسال با مارها و عقرب‌ها بازی کنند و آسیبی به آن‌ها نرسد، شزاز جهان رخت بریندد و تنها خیر باقی بماند. (ثامر هاشم حبیب عمیدی، ۱۳۸۳: ۲۶۸)

حضرت مهدی علیه السلام کارگزاران عادل به شهرها گسیل می‌دارد، تا به عدالت رفتار کنند. گوسفند و گرگ در يك مکان واحد به چرامی پردازند، و کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند، اما از ناحیه آنان به کودکان صدمه‌ای نخواهد رسید. (عزیزالله حیدری، ۱۳۸۲: ۲۷۲) حضرت مهدی علیه السلام شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود درآورد، گرگ و گوسفند در يك مکان زندگی کنند، کودکان خردسال با مارها و عقرب‌ها بازی کنند و آسیبی به آن‌ها نرسد. شزاز جهان رخت بریندد و فقط خیر باقی بماند. (کامل سلیمان، ۱۳۸۶: ج ۲، ۶۱۹)

۲. گوسفند و گرگ

برخی از این سخنان کم‌وبیش در برخی آثار معاصرین نیز نقل شده است. ای این که گفته شده: ... تا جایی که گوسفند و گرگ و گاو و شیر و آدمی زاد و مار (از گزند يك دیگر) در امان شوند (هاشم بن سلیمان بحرانی، ۱۳۸۴: ۱۸۶) و یا این که: ... در ایام حضور و ظهور عدلش، چنان منبسط و عام شود که گرگ و گوسفند با هم چرا کنند. (حسین بن محمد تقی نوری، ۱۳۸۴: ج ۱، ۹۵) و ... تا این که مأمون می‌شوند گوسفند و گرگ و گاو و شیر و انسان و مار تا این که پاره نمی‌کند موش، خیکی (!) را. (علیرضا علی نوری، ۱۳۷۹: ۱۳۲؛ احمد سعیدی، ۱۳۷۸: ۲۸؛ رحیم کارگر، ۱۳۷۹: ۳۶۱؛ اسدالله هاشمی شهیدی، ۱۳۷۸: ۲۸۱؛ نذیر یحیی حسنی، ۱۳۸۷: ۳۲؛ ثامر هاشم حبیب عمیدی، ۱۳۸۳: ۲۶۵؛ عزیزالله حیدری، ۱۳۸۲: ۲۷۲؛ علی دوانی، ۱۳۸۵: ۳۲۳؛ نجم‌الدین طبسی، ۱۳۸۶: ۲۱۲؛ محمد یعقوب بشوی، ۱۳۸۴: ۱۲۵؛ کامل سلیمان، ۱۳۸۶: ج ۲، ۶۱۹)

۳. گاو و شیر

در روایت کتاب فتن یکی دیگر از نمونه‌های امنیت زیست مسالمت‌آمیز میان گاو و شیر است. که در برخی کتاب‌های امروزی نیز بازتاب یافته است مانند این که نقل شده است: تا

وقتی که یهودی و ترسایی و پیرو هیچ کیشی نماند مگر این که به اسلام گرایش یابد تا جایی که گوسفند و گرگ و گاو و شیر و آدمی زاد و مار (از گزند يك ديگر) در امان شوند. (هاشم بن سلیمان بحرانی، ۱۳۸۴: ۱۸۶) و یا این که گفته شده است: نه یهودی و نه نصرانی و نه صاحب ملّتی، مگر آن که داخل می شود در اسلام تا این که مأمون می شوند گوسفند و گرگ و گاو و شیر... (حسین بن محمد تقی نوری، ۱۳۸۴: ج ۱، ۹۵)

که البته روشن نیست چه تناسبی میان گرایش یهود و نصاری به دین اسلام و درامان ماند برخی از جانوران از برخی درندگان دارد.

سخن فرجامین این که اگرچه امام مهدی علیه السلام، پیروز میدان کارزار با شرك و تبعیض - پدیدآمده در بستر ناامنی - است؛ اما واقعیت این است که قیام آن حضرت شورشی نظامی و بر پایه اجبار و سرکوب نیست؛ بلکه نهضتی است ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهانیدن همه بشر از زنجیرهای نفسانی و موانع و بندهای بی شماری که بر دست و پای انسان فعلی از سوی طاغوت ها زده شده و تکامل و کمال بشری را راکد کرده یا به پسرفت و قهقرا کشانده است. بی شک حرکت امیدبخش و زنده کننده آن حضرت، که با پرچم یکتاپرستی و دادگری صورت خواهد پذیرفت، در نهایت به مقبولیت و خشنودی فراگیر می انجامد. بدیهی است این عدالت گستری حضرت مهدی علیه السلام، خود زمینه های تقویت و پایداری امنیتی فراگیر را به دنبال خواهد داشت.

... و در پرتو فراگیر شدن امنیت به صورت کامل است که گسترش عمران و آبادانی سرزمین ها و به دنبال آن پدید آمدن رفاه عمومی، گسترش و تعمیق صفا و صمیمیت و برقراری پیوند دوستی خالصانه دست خواهد داد. گویی در پایان عمر دنیا جلوه ای از زندگی دل انگیز بهشتی که در سرای آخرت نصیب پارسایان خواهد شد، در این جهان به نمایش گذاشته می شود.

نتیجه گیری

حقیقت بلند آموزه های وحیانی همچنان روح امیدواری را در کالبدها می دمد که حقیقت حیات و مفهوم ناب زندگی درک نشده، روزگاری شکل خواهد گرفت، روزی در نیکوترین و به سامان ترین قالب، که در آن جهان، طبیعت، سیاست، حکومت، اقتصاد، رفاه، عدالت، ادراك، آموزش و طعم زندگی، در غایت رشد خود رخ خواهد نمود و در پی آن تجلی حقیقت زندگی که در پرتو آن آرامش و امنیت فضای زیست بشر را فرا می گیرد، در وجود

انسان‌ها شعله‌ور خواهد شد.

و البته این کمال امن و امنیت درباره انسان‌ها در بعد فردی و اجتماعی خواهد بود و درباره حیوانات معنا و مصداقی نخواهد داشت آن‌گونه که در برخی متن‌ها تحریف شده تورات و انجیل آمده است.

چگونه ممکن است خلقتی که هزاران سال درباره آن حیوانات از سوی خداوند حکیم جاری بوده و آن حیوانات بدون اراده و خواست خود از روی غریزه برای بقای خود از دیگرانواع جانوران بهره می‌برده‌اند را مصداق ظلم دانست تا در پرتو حکومت عدل جهانی یکی از مصداق‌ها عدل پرهیز آن جانوران از خوردن یکدیگر باشد. و آیا اساساً چه کسی خواهد گفت که انسان‌ها در آن دوران از گوشت حیواناتی که خداوند خوردن آن‌ها را حلال کرده است در آن دوران بی بهره خواهند شد. انسانی که اقتضای طبیعتش گیاه‌خواری است و نه گوشت‌خواری از انواع چرندگان، پرندگان و ماهی‌ها خواهد خورد و مصداق ظلم نیست اما شیر و ببر و پلنگی که اقتضای طبیعتشان گوشت‌خواری است گیاه خواهند خورد!

بی شک تأمل در خاستگاه این‌گونه سخنان می‌توانست نقشی بنیادین در عدم نقل آن در کتاب‌های معاصر داشته باشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- ابن عساکر (متوفای ۵۷۱ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ق.
- ابن منادی، احمد بن جعفر، *الملاحم*، قم: دارالسیره، اول، ۱۴۱۸ق.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، *سیمای حضرت مهدی (علیه السلام) در قرآن*، مترجم: مهدی حائری قزوینی، تهران: نشر آفاق، ۱۳۸۴ ش.
- بشوی، محمد یعقوب، *نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
- التوراة والإنجیل، نسخة التوراة والإنجیل من موقع: www.arabicbible.com؛ به نقل از نرم افزار کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام).
- جرجانی، عبدالله بن عدی، *الکامل*، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۹.
- جمعی از نویسندگان، *در انتظار خورشید*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
- حیدری، عزیز الله، *مهدی (علیه السلام) تجسم امید و نجات*، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۲ ش.
- دوانی، علی (متوفای ۱۴۲۷ق)، *موعودی که جهان در انتظار اوست*، سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی (علیه السلام)، ۱۳۸۵ ش.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد، *سیر اعلام النبلاء*، محقق: محمد نعیم العرقسوسی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بی جا: دفتر نشر کتاب، دوم، بی تا.
- روحانی، محمود، *المعجم الاحصائی*، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.
- سلیمان، کامل، *روزگارهای*، مترجم: علی اکبر مهدی پور، تهران: نشر آفاق، ۱۳۸۶ ش.
- شیبانی، عمر بن ابی عاصم، *السنة*، تحقیق: محمد ناصر البانی، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *الخصال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین،

- ۱۴۰۳ق. _____، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، سید محمدباقر همدانی، قم: نشر اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان، صیدا: مطبعة العرفان، ۱۳۵۵.
- طبری، محمدبن جریر، دلائل‌الامامة، قم: بعثت، ۱۴۱۳.
- طبسی، نجم‌الدین؛ نشانه‌هایی از دولت موعود، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۶ش.
- علی نوری، علیرضا، امامت حضرت مهدی علیه السلام در اعتقاد ما، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی، ۱۳۷۹ش.
- عمیدی، ثامر هاشم حبیب، مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، مترجم: محمدباقر محبوب القلوب، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۳ش.
- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: مطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
- فیومی، المصباح المنیر، بی‌جا: المطبعة العلمية، بی‌تا.
- کارگر، رحیم، آینده جهان، قم: مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۲۳ق.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: نشر سرایش، اول، ۱۳۸۰ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهلّم، ۱۳۸۰ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم: نسل جوان، ۱۳۸۶ش.
- مؤسسه معارف اسلامی، معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، قم: مسجد جمکران، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
- نذیر یحیی حسنی، مصلح کل از تئوری تا تحقق، مترجم: شاهپور حسینی، موعود عصر علیه السلام، تهران، ۱۳۸۷ش.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، تهران: مکتبة صدوق، ۱۳۹۷ق.

- نوری، حسین بن محمد تقی، *نجم الثاقب در احوال امام غایب علیه السلام*، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.
- هاشمی شهیدی، اسدالله، *ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان*، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۷ ش.
- هیثمی، نورالدین علی (متوفای ۸۰۷ق)، *مجمع الزوائد*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.

